

مثال مجید مولایی می گوید که در دو، سه قسمت اول «زخم کاری» چنین فیدبکی بوده؛ بله ممکن است بوده باشد. من در اطرافیانم چنین فیدبکی را نگرفتم و این نه به معنای نفی این حرف و نه به معنی درست بودن آن است. من در سریال یک سکansı داشتم که می توانم بگویم با یک ادبیات آش و شکلاتی که بعد از آن درست شد تقریباً کل کشور را تحت تأثیر قرار داد. در مورد این مسأله پیامک فحش داشتم و از کنار دستی همان شخص پیامک اینکه بالاخره یک نفر باید این حرف را می زد و به همین خاطر دعایم کرده بود. هر دو نفر در این مملکت برای خودشان کسی هستند و هر دو آدم های تأثیر گذار و قدرتمندی هم هستند. کدامشان درست می گوید؟ بستگی دارد به اینکه تو در کدام کوجه زندگی می کنی و وفق دیدت کجاست؟ در واقع قرار بوده که دستگاه نظارتی این دو را به هم نزدیک کند تا بتواند محصول پاکیزه ای را در اختیار جامعه قرار دهد. ما هم همین طور هستیم و در اروپا و آمریکا هم همین طور است.



می رود به این دلیل که فیلمساز دیدگان جامعه اش هست ولی میثاق اجتماعی همه اقدشار جامعه اش نیست. من دارم یک قصه تعریف می کنم که از نظر من همه این طور هستند ولی زمانی که شما دارید درباره همه حرف می زنید، درباره آن دایره جامعه ای که با آنها ارتباط دارید حرف می زنید. یک دوستی به من می گفت که پسر در سریال تو پدرش را حاج آقا صدا می زند و چه کسی دیگر به پدرش حاج آقا می گوید؟ در پاسخ گفتم که من، پسر عموهایم و همه ما پدرمان را این طور صدا می زنیم. زیست من به این شکل است اما تو از زیست دیگری آمده ای که پدرت را با نام کوچک صدا می زنی که از نظر من بی ادبی است اما از نظر تو عادی است. کدامیک از اینها تعریف کننده جامعه است؟ در واقع قرار بوده که کار کرد آن شوراها نظارتی این طور باشد، نه اینکه بگوید تو خطا می کنی، قرار بوده که بتواند اینها را به هم نزدیک کند و قرار بوده که نماینده های اجتماعی حضور داشته باشند که مصالح کلی جامعه را در نظر بگیرند. برای

جامعه را برقرار کنند. یعنی او از دل یک جامعه ای بیرون آمده که می تواند به شما بگوید که این چیزی که در فیلمتان نشان می دهید از نظر شما عادی است و از نظر آن جامعه مخاطب شکستن مرزهای اخلاقی آن است و این می تواند تأثیر منفی روی این قشر خاص داشته باشد و این تأثیر منفی بر این قشر خاص می تواند چنین آسیب های اجتماعی را به وجود بیاورد. بنابراین قرار بوده که روی کاغذ چنین اتفاقی بیفتد و نیمی از دلخوری هایی که همیشه بین جامعه هنری و جامعه نظارتی اتفاق افتاده این است که هیچ وقت این همگونی رخ ندهد. دعویایی که خیلی وقت ها وزارت ارشاد و تلویزیون در دوره های مختلف خصوصاً در دوره بعد از علماالله مهاجرانی که وزیر ارشاد شد بوده، همین حرفی هست که الان شما به آن اشاره کردید. آن هم اینکه آیا فلان مسأله ای که در فیلم وجود دارد و می خواهید سانسورش کنید، در کف خیابان اتفاق نمی افتد؟ ما دچار قاعده قانونی و قاعده عرفی شده ایم. یعنی گفتیم که حجاب در تعریف جامعه ما به جهت قوانین چیست ولی در عرف جامعه ما حجاب شکل دیگری دارد. بحثی که به اسم سانسور، ممیزی و نظارت است قرار بوده که حداقل بی حیایی و میزان بهنجاری و نابهنجاری جامعه را بگوید. یک جایی از دست فیلمساز در

دوم اینکه آن زمان ساترا به این شکل وجود نداشت یعنی سریال «آقازاده» آخرین سریالی است که پروانه نمایشش را کاملاً از وزارت ارشاد گرفته است. من دوست ندارم درباره اینکه چقدر از «آقازاده» حذف شده صحبت کنم، و از تفاوت چیزی که ما ساختیم با قسمت هایی که پخش شد بگویم. چون اهمیتی ندارد و سریال بسیار موفق بود و اینها مسأله ی مخاطب نیست و نباید باشد. اما چه زمانی که محمدمهدی طباطبایی نژاد مسئول بود و چه زمانی که سعید رجبی فروتن مسئول شد، هر هفته در اتاقشان برای حرف زدن و بحث کردن باز بود. ما تنها یک بار سانسورمان را اعلام کردیم و آن هم به این دلیل که فکر می کردم دارد یک انحراف و خطای استراتژیک اتفاق می افتد و آن هم درباره فصلی بود که درباره ارادت یک بانوی معتقد مسیحی در حرم امام رضا (ع) اتفاق می افتاد. وزارت ارشاد گفت که آن بخش را در آورید، در اینجا بحث برای من توفیر داشت. ما برای «آقازاده» گرفتاری های عجیب و غریبی داشتیم که بسیاری خواص می دانند ولی گفتن اینها افتخار نیست، گفتن اینکه فلان نهاد یا دستگاه بر سر تک تک دیالوگ ها یا مسأله ای بنیادی اختلاف دارد افتخار نیست. وظیفه من این است که بروم توضیح دهم و ایجاد تفاهم کنم. به این دلیل که اینها مسأله ی من تولید کننده است و نه مخاطب. مخاطب در پلتفرم اشتراک خریده تا کار ببیند، اشتراک نخریده که در گیر حواشی من باشد. دستگاه ساترا و وزارت ارشاد دعویایی بین کارگردان و تهیه کننده باشد. من فکر می کنم که هر چه بیشتر درباره این سانسورها و درگیری صحبت کنیم نشان دهنده ضعف من تولید کننده است. یعنی ناخودآگاه دارم می گویم که من آن قدر تجربه ندارم که چطور در همین فضا و با همین ساز و کارها و با همین حساسیت ها برای مخاطب محصول جذاب بسازم. مگر اینکه فارغ از خود کار اهداف و سودایی دیگر داشته باشیم که خارج از بحث ماست.

نظارتی می گوید که اینجا را کم کن، از طرفی این را برای تولید کننده محتوا فخر نمی دانم. **مولایی:** یک بخشی از آن هم پشت ضعف های دیگر مخفی شدن است. یعنی ما یک جاهایی می خواهیم که ضعف های دیگر را با این موارد پوشش بدهیم. **عناقا:** ما می دانیم که می شنود شوخی جنسی در کار داشت اما به عنوان کسی که در کف این جامعه زندگی کرده، می دانیم که تا چه حد می شود این را داشت. وقتی که آن محدودده را رد می کنیم، دستگاه نظارتی می گوید که این بخش را حذف کن و بعد می گوئیم که این دیگر سریال من نیست. سریالی که وابسته به شوخی های جنسی است و با این حذف ها نابود می شود، اصلاً از روز اول آن تهیه کننده و کارگردان با چه تحلیلی به سراغ آن رفته اند. به نظر من گاهی جذابیت حواشی و پزهای روشنفکری خاص بر اصل موضوع غلبه پیدا می کند و اگر صاحب سرمایه هم خودت نباشی یا در سود و زیان کار دخیل نباشی این بیشتر هم می شود.

**آیا حامد عنقا سانسور را خوب می شناسد؟ یعنی در کارها بتان خوب می داند که قاعده چیست؟ چرا که گاهی اوقات این شائبه در مورد شما پیش می آید که حمایت بیشتری می شوید.**

**عناقا:** همه ما قواعد سانسور را می دانیم و در مورد مجید مولایی هم چنین حرفی را می زدند.

**گفته می شود سانسور سریال «آقازاده» به این سبب کم بوده که اوج پشت آن بوده و حامد عنقا آن را ساخته است.**

**عناقا:** خیر، اول اینکه چه کسی می گوید کم بوده است؟ اینکه سلیقه ی من نیست که درباره ی موانع کارم در طول پخش حرف بزنم دلیل بر نبودنش نیست. کما اینکه آن موانع و حواشی بعد از حدود یک سال از پایان پخش سریال همچنان ادامه دارد.



سرمایه گذاری کرده و می گویند که دیگر نمی توانی آن را پخش کنی، برای همیشه از بازار حذف شده و به خاک سیاه می نشیند. سریال «زخم کاری» هم همین طور، کما اینکه شخصاً فکر می کنم که به عنوان تولید کننده هیچ افتخاری نیست که من به عنوان کسی که چندین سال است دارم در همین ساز و کار، با همین فضا و با شناخت جامعه کار می سازم و فکر می کنم که این یک پز روشنفکرانه جذاب است که مدام بگویم این کار من را سانسور کردند و فلان جایش را کم کردند، و من این را بازی متقابلانه ای می دانم. با احترام به دوستان خودم که گاهی اوقات این کار را انجام می دهند، این حرف را می زنم. چرا که مگر تا هفته قبل در پاریس بوده ایم و نمی دانستیم که نمی توانیم در سریال روابط یک زن متأهل را با یک پسر جوان نشان بدهیم، مگر اولین بار است که داریم با این قضیه مواجه می شویم؟ مگر نمی دانیم که میزان نشان دادن حجم سیگار کشیدن یا شرب خمر در یک سریال یک محدوده ای دارد؟ بله، من فیلمساز یک وقت هایی فکر می کنم که اشکالی ندارد دستگاه